**بسم الله الرحمن الرحیم**

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان

02/01/1437

مقدمه‌ی کوتاه:

وقتی در مورد هدف انسان صحبت می‌کنیم، گویا اصلی‌ترین موضوعی که در عالم است را مورد بحث قرار داده‌ایم و مابقی موضوعات فرع بر این موضوع هستند.

ما در محرم‌ها منتظر بروز تحولی در خود هستیم، موضوع آن تحول از کلیدی‌ترین موضوعات است. هیئات محرم برای تذکر نیست که بشنویم و پس از مدتی فراموش شود.

برای اینکه اثبات کنیم که موضوع اهمیت هدف و هدف خوب داشتن از کلیدی‌ترین موضوعات است ادله‌ی زیر را ارائه می‌کنیم؛ به بیانی دیگر هنگامی که یک موضوع بخواهد کلیدی باشد باید ویژگی‌هایی داشته باشد که این موضوع ما آن‌ها را دارا می‌باشد که عبارت‌اند از:

1. غفلت یا جهالت فراگیری در مورد موضوع وجود داشته باشد.
2. در فرهنگ جامعه آن غفلت یا جهالت نهادینه شده باشد.

بسیاری از مؤمنین در مورد هدفی که باید تعیین کنند، [موضوع تقرب الی الله هدف همه‌ی امور است] دچار یکی دو مورد جهالت یا غفلت اساسی هستند. اگر کسی دچار این غفلت و جهالت نباشد و آدم متوجهی باشد او چنین تلقی از این موضوع خواهد داشت که مهم‌ترین تذکر را در طول زندگی گرفته است. چون کسی که به موضوعی واقف باشد تکرار آن موجب تذکر است.

اگر تحولی بخواهد در فرهنگ تأثیر بگذارد آن فرهنگ متفاوت از این فرهنگ کنونی خواهد بود. با اینکه همه‌ی ما به خدا معتقدیم و دستورات خدا را در بسیاری از موارد رعایت می‌کنیم و در دل‌های خود از اولیای الهی داریم ولی می‌بینیم، ظهور حضرت رخ نداده درحالی‌که ناشی از عدم صلاحیت است؛ پس مشکلاتی که بر سر راه است و رشد لازمی که باید آثار آن بروز پیدا کند را مشاهده نمی‌کنیم ، آن موانع و مشکلات باید برداشته شوند. با همین مقدار معرفت و ایمانی که ما داریم باید خیلی جلو تر باشیم، یک گیر اساسی وجود دارد که موجب می‌شود ما جلو نرویم. آن گیر اساسی ان‌شاءالله فردا شب بحث خواهد شد.

آیا گیری که در کار ماست باعث شده است که کار سختی که بر گردن ماست از فرط سختی انجام ندهیم یا اینکه کار خیلی آسانی است که از سر غفلت آن را انجام نمی‌دهیم؟

هم علم و آگاهی مردم کافی است و هم اگر بیش از این شود ممکن است مشکل‌ساز شود. ابلیس در مواقع مخصوصی ما را غافل می‌کند. غفلتی که ما به آن دچار می‌شویم نه که نتوانیم بلکه توانایی رعایت آن را داشته‌ایم ولی انجام نمی‌دهیم. در قیامت صحنه‌ی گناه را که نشان می‌دهند، خواهیم فهمید که ای وای می‌توانستم از این گناه دوری کنم ولی چه شد!؟ غفلت، غفلت، غفلت. نهایت کاری که شیطان از سر ناتوانی می‌تواند انجام دهد کید و خدعه است.

إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء، 76)

**قدر انسان**

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنَفَتِهِ، وَعِفَّتُهُ عَلى‏ قَدْرِ غَیْرَتِهِ. (مصادر نهج‏البلاغه، ج ۴، ص ۴۶)

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود:

ارزش هر کس به اندازه همت او و راستگویى و صداقتِ هر کس به اندازه شخصیت اوست و شجاعت هر کس به اندازه بى‏اعتنایى وى (به ارزش‏هاى مادى) است و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.

ارزش یک انسان به قدری است که هدفی که در زندگی انتخاب می‌کند. هر چه قدر هدفش بالاتر باشد ارزش او بالاتر است.

انسان با تفکر نه آموزش و تعلیم باید درون خودش برود و به یک هدف برسد. هر هدفی که انتخاب کرده‌اید را فکر کنید هر چه باشد. هنگامی که در مورد آن فکر کنید اگر هدف حقی نباشد نابود می‌شود و از چشم می‌افتد.

**سؤال همگانی**

حدود 14 سالگی است که انسان‌ها دچار این سؤال فلسفی و عارفانه می‌شوند که «خدا چرا ما را آفرید؟» نوعاً هم به این جواب نمی‌رسند! این سؤال با یک گزاره و دو گزاره به جواب نمی‌رسد بلکه باید با خود فکر کرد و اندیشید البته پیش از آن باید فکر کردن را یاد گرفته باشیم.

متأسفانه به حفظیات محصّلان نمره داده می‌شود ولی برای فکر کردن‌های آن‌ها ارزشی قائل نیستند. اگر فرد در دوران تحصیل اندیشیدن را نیاموزد، او اندیشمند بار نمی‌آید. حفظ کردن خوب است ولی فرع بر تفکر است.

واقعاً خدا من را چرا آفریده است؟ اگر آفریده نمی‌شدم چه می‌شد؟ درک کردن پاسخ این سؤال اگر ساده باشد خلقت انسان بیهوده بوده است. چون سخت است یک کار بسیار بزرگی است. از قله سؤال می‌شود، که خیلی دور است، مشخص است که سؤال سختی است.

فرآیند تربیت باید گونه‌ای باشد که فرد به 14 سالگی که می‌رسد بازی کردن با گوشی و تب لت و ... را برای خودش احساس حرام کند و با وقتی می‌بیند دیگری بازی می‌کند خود را که جای او می‌گذارد احساس حقارت کند. وقتی بازی می‌کنیم به یاد الاغ طاحونه می‌افتم، (الاغی که در آسیاب‌های سنگی قدیم استفاده می‌شده و دور خود می‌چرخیده) که کلی بازی کرده‌ایم ولی هنوز همان جا، همان آدم قبلی هستیم.

برخی اعتراضی سؤال می‌کنند می‌گویند: «چرا خدا ما را با این همه بدبختی آفریده است؟» بدانید که در بیش از 99/99 درصد موارد این فرزندان در خانواده‌هایی تربیت شده است که مادرهای آن‌ها زبان به شکوه مبالغه‌آمیز باز می‌کنند آن‌ها موجب می‌شوند که بچه‌ها هم معترض بار آیند. اگر شاکرانه و قناعت آمیز رفتار کنند، فرد می‌تواند مؤدب بار آید و بتواند به پاسخ به سؤالات خود برسد.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىَ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، 191)

خداوند از حالت ذکری که برای بندگان بیان می‌کند به تفکر در مورد خلقت می‌پردازد و نتیجه‌ی این تفکر را هم رسیدن به هدف‌دار بودن خلقت بیان می‌کنند ولی دیگر هدف از خلقت را بحث نمی‌کنند، به این معنا که اگر می‌خواهی هدف از خلقت و زندگی را بدانی باید خودت فکر کنی و به پاسخ برسی.

در صحبت‌های خود با افراد خارجی خیلی روراست به آن‌ها می‌گویم که شما در یک جامعه‌ی عقب‌مانده هستید، که همه چیز به شما تلقین می‌شود؛ باهنر و موسیقی به شما بسیاری از نظراتشان را تحمیل می‌کنند. به آن‌ها فرصت اندیشیدن داده نمی‌شود بلکه همه چیز برای آن‌ها دیکته می‌شود، آن‌ها خودشان تأیید می‌کنند؛ ولی در اسلام این‌گونه نیست که مفهوم خدا را برای آن‌ها تلقین کنند، تا راه فراری نداشته باشد؛ خیر او را راحت می‌گذارند تا خودش فکر کند به نتیجه برسد و به خدا برسد.

خدای بهشت که از خود بهشت بهتر است آیا می‌شود که انسان بهشت را بخواهد ولی خدا را نخواهد.

جوان‌هایی هستند که می‌پرسند «اگر یک میلیارد سال در بهشت زندگی کنیم ایا حوصله ی ما سر نمی رود؟ چه قدر در نهر شیرجه بزنیم با حوری و قوری باشیم؟» او راست می‌گوید. او توانسته مقدمه‌ای برای رسیدن به پاسخ‌های عارفانه را فراهم می‌کند. خدا او را در قیامت می‌گیرد و می‌گوید تو بی‌خود کردی این سؤال را پرسیدی خودت می‌دانستی. او فکر می‌کند و می‌گوید بله می‌دانستم.

کسی که این قدرت و عظمت را دارد، انسان را با عقل ساخته است؛ آیا پاسخ‌دهنده‌ی انسان به سؤالاتش خود عقل او نیست؟ کسی که او را ساخته است نمی‌خواهد او را راضی کند. حتماً او یک جوابی راضی‌کننده به تو می‌دهد.

انسان بر همه مخلوقات سوار است و اشراف مخلوقات است چه کسی می‌تواند پاسخی به نیازهای انسان باشد . کسی جز خود حضرت حق. در مورد آن فکر کنیم اشک جاری می‌شود و عشق از درون جاری می‌شود.

علی‌القاعده انسان باید در چندسالگی به جواب برسد؟ کمال عقل چهل سالگی است. امام صادق می‌فرمایند در هجده سالگی انسان عاشق شده است و مابقی عمرش را تجربه می‌کند. انسان در 18 سالگی به هدف خودش می‌رسد.

خداوند انسان را از سن 14 سالگی با تمام لذایذ جنسی آشنا می‌کند او از قبل برای شما پیش‌بینی نکرده است که من قدرتی در او ایجاد می‌کنم که او بتواند اسیر شهوت نشود. آن قدرت ایمان شما به غیب است یعنی یک چیزی که نسیه است و نقد نیست. عشق به هدف نقد نیست نسیه است؟ نسیه از پس نقد بر می‌آید؟ لذت جنسی را گذاشته است در راه رسیدن به هدف درگیری داشته باشید چون بدون درگیری هدف خلقت مورد سؤال است. درگیری همین شهوات است.

سؤال می‌شود که چی کار کنم شهوات اذیتم نکند. هیچی باید از دنیا بروی؟ این‌ها از قبل طراحی شده است. شما اگر نمی‌توانید از آن درست استفاده کنید خوب من چی کار باید بکنم؟! خدا انسان را جز برای هدفش ساخته است؟ هدف دیگر برای انسان آیا ارزش دارد؟

**شناخت بی‌نهایت**

آیا خدا تمام می‌شود و اگر خدا را بشناسید دیگر هدفی برای انسان نیست؟ خیر در قیامت به این صورت است که اگر بعد از میلیاردها سال به ملاقات خدا می‌روید می‌گویید که اصلاً من خدا را ندیده بودم. خدا بی‌نهایت است یعنی بی‌نهایت لذت‌بخش است و بی‌نهایت انس، عشق و محبت. نمی‌شود جز این باشد؛ اگر جز این باشد من راضی نمی‌شوم.

قالَ الصّادقُ (علیه السلام) لا راحَةَ لِمُومِنٍ عَلَی الحَقیقَة إلا عند لِقاءِ الله.

این حرفی نیست که حضرت برای شما توضیح دهند بلکه خودتان باید به آن برسید.

بچه‌ها نباید به گونه‌ای تربیت شوند که در طول زندگی تمام هم و غمش این باشد که یک مقدار رنج نبیند بلکه؛ به گونه‌ای باشد که مشکلش با رنج حل شود و با تمام مشکل‌ها بتواند به هدف نهایی‌اش فکر کند.

اگر به شما گفته شود شما یک موجود 170 سانتی هستید، شما ناراحت می‌شوید. چون می‌خواهید با درون‌مایه‌هایتان معرفی شوید. درون‌مایه‌های ظهور چیست. مردم رفاه داشته باشند بتوانند به لقا الله برسند؟ ولله اگر مشتاق خدا نباشیم رفاه برای ما ضرر هم دارد و بدتر می‌شویم. بشری که ظرفیت ندارد چرا خدا باید نعمت از زمین و آسمان سرازیر کند.

ما اگر منتظر ظهور هستیم ظهور یعنی چی؟

اگر می‌خواهید هدفتان را بشناسید باید امام زمانتان را بشناسید. هنگامی که امامتان را درک کنید خواهید گفت: ایشان که امام فرستاده‌ی خدا است خود خدا چگونه است ؟! چنین فکرهایی موجب می‌شود که علاقه‌ی ما به خدا بیشتر شود. امام که با بیمار شدن ما بیمار می‌شوند و ناراحت می‌شوند خود خدا چگونه است؟

کسانی که شهادت‌طلب هستند می‌توانند بفهمند که قیمت ظهور چه قدر است و زمینه‌ی ظهور را فراهم کند.

صلی الله علیک یا اباعبدالله